

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید - سال پنجم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۸ - شماره پیوسته ۲۴

فرایندهای واژ- واجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی گویش تاتی تاکستان

بر اساس نظریه بهینگی (ص ۱-۱۶)

جواد رحمانی^۱، محمد رضا اروچی (نویسنده مسئول)^۲، بهزاد رهبر^۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر، تلاشی در جهت بررسی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی واژ- واجی گویش تاتی تاکستان در چارچوب نظریه بهینگی است. منظور از فرایندهای واژ- واجی، آن دسته از تغییرات واجی است که در بافتی صرفی؛ یعنی در مرز بین تکواژها ایجاد می‌شود و انگیزه آوایی دارد. روش پژوهش به صورت تحلیلی بوده و داده‌های پژوهش از کتاب‌های تاتی، رادیو و شبکه‌های محلی گردآوری شده‌اند. متغیرهای زبانی بر اساس نوع فرایندهای آوایی و واژگانی دخیل، بررسی شده‌اند. در این پژوهش بر آنیم تا به واکاوی چگونگی عملکرد فرایندهای واژ- واجی از دیدگاه بهینگی در واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی گویش تاتی بپردازیم. نهایتاً، بر اساس داده‌های موجود به این نتیجه دست یافتیم که در این زبان گاهی فرایند حذف و گاهی درج در مرز تکواژی رخ می‌دهد و این امر نشان‌دهنده هم‌نوایی یا همان دسیسه واجی است و در واقع نشان می‌دهد که مرتبه‌بندی محدودیت‌های جهانی در گویش تاتی تاکستان صادق بوده و محدودیت‌های موجود در این گویش با محدودیت‌های جهانی همسو است. پژوهش حاضر به پیکره دانش زبانی زبان‌شناسان در مورد گویش تاتی می‌افزاید و به پژوهشگران در شناخت هرچه بیشتر فرایندهای واژ- واجی گویش تاتی و تطابق آن با جهانی‌های این حوزه یاری می‌رساند.

کلمات کلیدی: گویش تاتی، نظریه بهینگی، محدودیت‌ها، فرایند واژ- واجی، واژه‌بست

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲. استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

Email: mohammadrezaoroji@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر در ایران نظریه بهیمنگی مورد توجه قرار گرفته است. نوشته در پیش رو به بررسی و توصیف اجمالی برخی فرایندهای واژ- واجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی گویش تاتی تاکستان بر اساس نظریه بهیمنگی پرداخته و از این رهگذر نشان می‌دهد که چگونه در این گویش سطح واژی با سطح واجی در تعامل قرار می‌گیرد؛ به این معنا که اعمال یک قاعده واژی، اعمال یک قاعده واجی را به دنبال دارد. فرایندهای واژ- واجی زمینه مطالعاتی را فراهم می‌کنند که در مرز بین واج‌شناسی و صرف قرار می‌گیرد. این فرایندها صورت‌های مختلف گفتاری و نوشتاری مربوط به تکواژها را بدان جهت که برخی از واژه‌ها یا تکواژها در بافت‌های واژگانی یا دستوری به صورت‌های مختلف واجی درمی‌آیند، بررسی می‌کنند.

در این پژوهش، میزان کفایت فرایندهای واژ- واجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی گویش تاتی تاکستان بر اساس نظریه بهیمنگی، به روش تحلیلی با استفاده از داده‌های این گویش، محک زده شده است. بدین منظور علاوه بر اینکه داده‌ها از منظر این رویکرد جدید مورد کنکاش قرار می‌گیرند، این امکان نیز به وجود می‌آید تا کفایت مشاهده‌ای و تحلیلی مورد سنجش قرار گیرد؛ زیرا این تحقیق به لحاظ بررسی فرایندهای مذکور دارای اهمیت بوده و از این نظر که تاتی، زبانی در معرض انقراض و نابودی است، بنابراین انجام پژوهش‌هایی از این دست ضروری به نظر می‌رسد. برای رسیدن به این هدف گردآوری داده‌هایی که در آن‌ها فرایندهای واژ- واجی یافت شده است، در چارچوب نظریه بهیمنگی مورد توجه قرار گرفته است.

پرسش اصلی در این مقاله این است که «آیا نظریه بهیمنگی توانایی توصیف فرایندهای واژ- واجی در واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی گویش تاتی تاکستان را دارد یا خیر؟». آنچه به عنوان فرضیه تحقیق، پذیرفته شده تا تحقیق بر مبنای آن استوار باشد این است که «نظریه بهیمنگی قادر به توصیف فرایندهای واژ- واجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی گویش تاتی تاکستان است». تاتی تاکستان که در شهر تاکستان استان قزوین رایج است از گویش‌های زبان تاتی و زبان‌های شمال غربی به شمار می‌رود. سبزعلی پور (۱۳۹۰) در زمینه تاتی تحقیقاتی نظیر توصیف تاتی رودبار و تدوین فرهنگ تاتی انجام داده است. استیلو^۱ (۱۹۸۱) در یک طبقه‌بندی، تاتی تاکستان را در گروه تاتی جنوبی محسوب نموده است. یار شاطر^۲ (۱۹۶۲) به صورت مقدماتی و (۱۹۶۹) به تفصیل به بررسی جنبه‌های مختلف گویش تاتی منطقه رامند از جمله تاکستان پرداخته است، پدرام (۱۳۷۹) اشعاری به

^۱ D.L. Stilo

^۲ E. Yarshater

زبان تاتی تاکستان سروده، طاهری (۱۳۸۸) ویژگی‌های دستوری گویش تاتی تاکستان را بررسی کرده و رحمانی (۱۳۹۱) به بررسی تاریخ و فرهنگ تات‌ها در استان قزوین پرداخته است.

۲. پیشینه مطالعات فرایندهای واژ- واجی در نظریه بهینگی

تاکنون پژوهشی، در حوزه نظریه بهینگی به بررسی جنبه‌های مختلف گویش تاتی تاکستان به نگارش درنیامده، اما پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه واج‌شناسی بهینگی به شرح زیر است:

اسمیت^۱ (۲۰۱۲)، کارگر^۲ (۱۹۹۹) و راسخ مهند (۱۳۸۳) به معرفی کامل نظریه بهینگی و بیان محدودیت‌ها پرداخته‌اند. صادقی و صادقی (۱۳۹۶) نیز فرایندهای صرفی- واجی در زبان کردی سوری را در چارچوب این نظریه بررسی نموده‌اند. حیدری (۱۳۹۲) و زاهدی (۱۳۹۲) برای صورت‌های مرتبط فرایندهای واژ- واجی، صورت واجی واحدی در نظر گرفته و همین مطلب را در گونه معیار زبان فارسی با استفاده از درخت مشخصه‌ها، مورد تحلیل قرار داده‌اند. پاک‌نژاد (۱۳۹۵) به بررسی، تحلیل، تعیین، مرتبه‌بندی محدودیت‌های موجود حاکم بر فرایندهای واجی و ارائه ساخت هجای گویش دزفولی در چارچوب نظریه بهینگی پرداخته است و همگونی و ناهمگونی، حذف، درج، تضعیف، قلب و ابدال را نیز در مقاله‌اش بررسی نموده است. فرایندهای واژ- واجی در برخی از زبان‌های ایرانی مانند فارسی (بی‌جن‌خان، ۱۳۸۸)، کردی کلهری (بدخشان و زمانی، ۱۳۹۲)، ترکی آذربایجانی (رضی نژاد، ۱۳۹۱) مورد تحقیق قرار گرفته است. بر اساس این، پژوهش حاضر اولین مطالعه‌ای است که به شکل علمی در قالب نظریه بهینگی به بررسی و تحلیل جنبه‌های آوایی و واجی گویش تاتی تاکستان می‌پردازد.

۳. محدوده و روش تحقیق

با توجه به انعطاف‌پذیری روش تحلیلی که یکی از بنیادی‌ترین و بهترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات به خصوص در بررسی گویش‌ها هست، این روش اتخاذ شده است. این تحقیق محدود به شهر تاکستان بوده و داده‌ها از کتاب‌ها، رادیو و شبکه‌های محلی گردآوری شده است. مواد زبانی این مقاله به روش میدانی گردآوری شده، به این صورت که کلمات به روش مصاحبه از گویشوران تات‌زبان پرسیده، ضبط و ثبت گردیده است. متغیرهای زبانی لازم از درون آن واژه‌ها استخراج شده و فرایندهای آوایی و واژگانی واژه‌ها بررسی، تجزیه و تحلیل شده‌اند.

^۱ J. L. Smith

^۲ R. Kager

این پژوهش در صدد یافتن تعمیم‌های واجی بر اساس نظریه بهینگی در ساخت واجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی واژ- واجی گویش تاتی تاکستان است. در این راستا تعدادی از واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پریسامد در این گویش انتخاب شده و گزینه‌های بهینه بر اساس سلسله‌مراتب محدودیت‌ها نشان داده شده‌اند.

۴. مبانی نظری (نظریه بهینگی)

نظریه بهینگی، تحولی در زبان‌شناسی زایشی بوده و واج‌شناسان به دنبال تعمیم‌های واجی هستند. زبان‌شناسی به وجود دستور جهانی قابل است که تمرکز آن بر روی اصول و پارامتر زبان‌هاست. در واج‌شناسی جهانی، تلاش برای یافتن این تعمیم‌هاست (کردزعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۰). این رویکرد بر مبنای تحقیقات تجربی رده‌شناسی، عناصر روساختی را برای دستیابی به اصول جهانی مورد مطالعه قرار می‌دهد. نظریه بهینگی دارای رویکرد محدودیت‌بنیاد است که اولین بار در مقاله‌ای اثر پرینس^۱ و اسمولنسکی^۲ (۱۹۹۳) در همایش واج‌شناسی دانشگاه آریزونا مطرح شد.

برای تحلیل فرایندهای واژ- واجی در چارچوب نظریه بهینگی، مدل‌هایی مانند الگوی کاگر (۱۹۹۹) در بیان محدودیت‌های پایایی حساس به بافت صرفی، الگوی بهینگی لایه‌ای کیپارسکی^۳ (۲۰۰۳)، اسمیت (۲۰۱۲)، مک کارتی^۴ (۲۰۱۱) و الگوی فولر^۵ (۲۰۱۳) وجود دارند.

نظریه بهینگی مبتنی بر این بینش است که همه حوزه‌های زبان اعم از واج‌شناسی، صرف و نحو («محدودیت‌بنیاد») هستند. این محدودیت‌ها همگانی بوده و از این رو ریشه در ساختار زیستی و ژنتیکی انسان دارند. وجود این «محدودیت‌ها» تبیین‌کننده اشتراک بین زبان‌هاست و «مرتبه‌بندی» متفاوت بین این محدودیت‌ها در زبان‌های مختلف از یک سو و تخطی‌پذیری آن‌ها از سوی دیگر توجیه‌کننده تفاوت و تنوع بین زبان‌هاست. بر خلاف رویکرد اصول و پارامترها که روساخت مجاز به‌طور مستقیم از زیرساخت مشتق می‌شود، در نظریه بهینگی، روساخت مجاز یکی از چند گزینه‌ای است که کمترین تخلف را از محدودیت‌های نقش‌پذیر جهانی دارد (نک: بی جن خان، ۱۳۸۸: ۴۰-۳۵).

از این نظریه، بیشتر برای توصیف نظام آوایی زبان‌ها استفاده می‌شود تا توصیف نظام تکواژها و گروه‌های نحوی. بر اساس این، واج‌شناسی هر زبان در یک واحد ارزیاب خلاصه می‌شود که خود، شامل تعدادی محدودیت جهانی قابل نقض و دارای ترتیب مشخصی است. درونداد واحد ارزیاب،

¹ . A. Prince

² . P. Smolensky

³ . P. Kiparsky

⁴ . J. MaCarthy

⁵ .M. Fuller

چند گزینه آوایی است که دستگاه مولد بر اساس اصول آواشناسی عمومی از روی زیرساخت واجی می‌سازد. روساخت مجاز، یکی از گزینه‌هاست که کمترین تخلف را از محدودیت‌ها دارد یا به عبارت دیگر، بیشترین هماهنگی را با محدودیت‌ها داراست (نک: دبیر مقدم، ۱۳۸۳: ۶۴۹-۶۴۷). بر اساس این، دو نوع محدودیت در واج‌شناسی بهینگی مطرح می‌شود: ۱- نشان‌داری: با کمک آن می‌توان کاربرد کم یا زیاد برخی ساخت‌ها یا مقوله‌های زبانی و وجود برخی محدودیت‌ها در کاربرد آن‌ها را توجیه کرد. ۲- پایایی (وفاداری): هرگونه تغییر در عناصر آوایی ستاک غیر مجاز است و این که یک محدودیت پایایی وابسته به بافت صرفی است (نک: فولر، ۲۰۱۳). در این جا به بیان تعاریف واژه‌بست، هجا و ساخت آن پرداخته می‌شود:

۴-۱. واژه‌بست (Clitics)

واژه‌بست، یک نوع تکواژ وابسته دستوری فاقد تکیه است که در ساخت‌های بزرگ‌تر از واژه شرکت می‌کند و از نظر آوایی با پایه خود یک واژه واجی می‌سازد (نک: شقاقی، ۱۳۸۶).

۴-۲. هجا (Syllable)

هجا یکی از واحدهای واجی است که در مقوله نوایی متشکل از همخوان‌ها و واکه‌ها قرار دارد و بر اساس قله رسایی دسته‌بندی می‌شود (نک: هاموند، ۱۹۹۷: ۳۴).

۴-۳. ساخت هجا در نظریه بهینگی

در نظریه بهینگی می‌توان رده‌شناسی نظام‌های هجایی را با استفاده از سه محدودیت توضیح داد: (۱) Onset: هجاها با یک همخوان آغاز می‌شوند (کاگر، ۱۹۹۹: ۹۳). (۲) No-Coda: هجاها به یک واکه ختم می‌شوند (کاگر، ۱۹۹۹: ۹۴). (۳) Faithfulness: هر چیزی را همان‌طور که هست تلفظ کنید (هاموند، ۱۹۹۷: ۳۶). در نظریه بهینگی این سه محدودیت توصیف ساده‌ای از نظام‌های هجایی زبان‌های موجود در جهان را ارائه می‌دهند.

جدول زیر چهار نوع مرتبه‌بندی موجود در این محدودیت‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۳-۱- نمایش انواع نظام‌های هجایی با استفاده از مرتبه‌بندی محدودیت‌ها بر اساس الگوی پرینس و

اسمولنسکی

مرتب‌بندی محدودیت‌ها	نوع هجا
Faithfulness >> Onset, No-Coda	(C)V(O)
Onset, No-Coda >> Faithfulness	OV
Onset >> Faithfulness >> No-Coda	OV(C)
No-Coda >> Faithfulness >> No-Coda	V(O)

بنابراین بر اساس مرتبه‌بندی‌های معرفی شده در جدول فوق، تنها چهار ردهٔ زبانی از نظر نوع ساخت هجایی وجود دارد.

۴-۳-۱. ساخت هجا در گویش تاتی تاکستان

آواشناسان و واج‌شناسان گویش تاتی تاکستان از جمله طاهری (۱۳۸۸) و رحمانی (۱۳۸۰)، الگوی هجاهای گویش تاتی تاکستان را به صورت CV, CVC, CVC می‌دانند. بر اساس نظر طاهری (۱۳۸۸) الگوی هجای سطح زیرین در نظام آوایی این گویش عبارت‌اند از: V, VC, VCC, CV, CVC, CVCC.

گویش تاتی تاکستان جزء دسته سوم از دسته‌بندی‌های رده‌شناسی، یعنی جزء زبان‌های OV(C) قرار می‌گیرد که در سطح آوایی آن‌ها وجود آغاز، اجباری و وجود پایانه، ممکن است. مرتبه‌بندی محدودیت‌ها در گویش تاتی تاکستان به صورت زیر است:

۱) Onset, Faithfulness >> No-Coda

واژه‌های گویش تاتی تاکستان:

/čöst/ «کفش»، /ʔæs b/ «اسب»، /em/ «این»، /xor/ «خوب»، /du/ «دوغ» و /ʔā/ «او» دارای الگوی هجایی V, CV, CVC, VC, VCC, CVCC هستند.

در زیر، تابلوی بهینگی یک نمونه از این موارد ذکر می‌شود:

تابلوی (۲)

/du/	ONSET	FAITHFULNESS	NO-CODA
a.du			
b.u	*!	*	

در تابلوی شماره (۲)، گزینهٔ b محدودیت وفاداری را نقض کرده است؛ زیرا یک واحد درون‌دادی را در برون‌داد حذف کرده است و به همین خاطر آغاز نیز ندارد و مهم‌ترین محدودیت گویش تاتی

تاکستان؛ یعنی Onset را نقض کرده و از تابلو حذف می‌شود. بدین ترتیب، گزینه a که این محدودیت‌ها را نقض نکرده است، به عنوان گزینهٔ بهینه انتخاب می‌شود. همین مرتبه‌بندی محدودیت‌ها صورت بهینهٔ واژه‌هایی را که در صورت زیربنایی، فاقد آغاز هستند، به دست می‌دهد.

۵. معرفی و تحلیل فرایندهای واژ- واجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی در گویش تاتی تاکستان

این فرایندها بر اساس انواع تکواژها تقسیم‌بندی می‌شوند: ۱- تکواژ آزاد ۲- تکواژ وابسته. هر کدام از این دو نوع تکواژ بر مبنای داشتن معنا یا نقش دستوری به ترتیب به دو طبقهٔ واژگانی، تقسیم می‌شوند.

دستهٔ اول به صورت‌هایی می‌پردازد که در اثر افزوده‌شدن یک تکواژ وابسته یا آزاد به یک پایه ایجاد می‌شوند و دسته دوم صورت‌هایی را در بر می‌گیرد که در اثر کنار هم قرارگرفتن دو تکواژ آزاد، ایجاد می‌شوند (نک: شقاقی، ۱۳۸۶: ۸۰). در ادامه به بررسی فرایندهای درج و حذف با ذکر مثال‌هایی پرداخته می‌شود. در هر قسمت پس از ذکر مثال و معرفی فرایند، به تحلیل آن در چارچوب نظریهٔ بهینگی می‌پردازیم.

۵-۱. فرایند درج یا افزایش در گویش تاتی تاکستان

هرگاه وندی که با واکه شروع می‌شود به پایه‌ای بپیوندد که خود به واکه ختم می‌شود، برای جلوگیری از التقای واکه‌ها بین آن‌ها یک همخوان (واج میانجی) درج می‌شود؛ به عبارت دیگر، گاهی برای آسان‌شدن تلفظ میان دو مصوت، یک صامت اضافه می‌شود که به آن واج میانجی می‌گویند.

۵-۲. فرایند حذف یا کاهش در گویش تاتی تاکستان

هرگاه وندی که با واکه شروع می‌شود به پایه‌ای بپیوندد که خود به واکه ختم می‌شود، برای جلوگیری از التقای واکه‌ها بین آن‌ها غیر از درج، حذف نیز صورت می‌گیرد؛ یعنی یکی از واکه‌ها حذف می‌شود. در این جا به شرح مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به گویش تاتی تاکستان می‌پردازیم:

۶. واژه‌بست‌ها

۶-۱. ضمایر پی‌بستی (پیوسته شخصی) به اسم^۱

طاهری (۱۳۸۸: ۲۴-۱۵) بر اساس شواهد مورد استناد در واج‌شناسی زایشی بر این نکته تأکید می‌کند که بازنمایی زیرین این ضمایر در گونه محاوره‌ای، همان صورت‌هایی هستند که به انتهای صورت‌های مختوم به همخوان در می‌آیند؛ یعنی صورت‌های em(om)(m), i(âj), e, emon, ejon, ešon. پذیرفتن این پیش‌فرض، افزوده شدن ضمایر پیوسته شخصی به اسم‌ها نیز شرایط مشابه واژه‌بست‌های جمع و معرفه را دارد؛ یعنی نوع تغییر به این بستگی دارد که اسم به همخوان ختم شود یا به واکه.

۶-۱-۱. با افزوده شدن این ضمایر به اسم‌های مختوم به همخوان در گویش تاتی مانند /kötāb+em/ (کتابم) درج صورت نمی‌گیرد و تنها الگوی هجایی اسم تغییر می‌کند تا هجای بدون آغازه شکل نگیرد؛ مانند [kō.tā.bem]. مرتبه‌بندی محدودیت‌ها مانند شماره (۳) و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها به قرار زیر است:

(۳) ONSET >> MAX-IO, DEP-IO >> ALGIN-MORPH-R

تابلوی (۴)

/kötāb+/em/	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALGIN-MORPH-R
☞ a.kō.tā.bem				*
b. kō.tāb.em	*!			

در تابلوی شماره (۴)، گزینه a به خاطر ارضای محدودیت مهم ONSET در ازای نقض پایین مرتبه‌بندی محدودیت، بهینه است. گزینه b به خاطر داشتن یک هجای بدون آغازه، غیر بهینه است.

۶-۱-۲. با افزوده شدن ضمایر شخصی پیوسته به اسم‌های مختوم به واکه نیز التقای واکه‌ها صورت می‌گیرد؛ مانند /bābār/ + em/ (پدربزرگم) و این بار برای رفع آن واکه ضمیر پی‌بستی و نه واکه اسم، حذف می‌شود. بنابراین محدودیت دیگری از خانواده MAX-IO را بر اساس الگوی واژه‌بست‌های گویش تاتی تاکستان تعریف می‌کنیم که در این گونه موارد اعمال می‌شود.

(۵) MAX-V(clitic)

- هر واکه در صورت برون‌دادی واژه‌بست، دارای معادلی در صورت درون‌دادی واژه‌بست است (واکه واژه‌بست را حذف نکند).

^۱ . ضمایر متصل شخصی به اسم

با افزودن ضمیر شخصی پیوسته مختوم به واکه-/em- به پایه‌های مختوم به همخوان مانند /bābār/ الگوی هجایی واژه موردنظر تغییر می‌کند تا همه هجاها آغاز داشته باشند؛ مانند [bābā.rem] (به معنی پدربزرگم) و درج صورت نمی‌گیرد (طاهری، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۱). مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها بدین صورت است:

(۶) ONSET >> MAX-IO, MAX-V (clitic) >>DEP-IO, ALGIN-MORPH-R

تابلوی (۷)

/bābār+/em/	ONSET	MAX -IO	MAX-V(clitic)	DEP -IO	ALGIN -MORPH-R
a. bā.bā.rem					*
b. bā.bā. em	!*	*!			
c. bā.bām		*!	*!		

تابلوی شماره (۷) نشان می‌دهد که گزینه a بهینه است؛ زیرا از بی‌نشان‌ترین اصل تخطی کرده است. گزینه b غیر بهینه است چون از اصل ONSET و MAX-IO تخطی کرده و گزینه c تخطی از اصل حذف MAX-IO و همچنین MAX-V (Clitics) است.

در گویش تاتی تاکستان، گاهی درج همخوان /ɪ/ نیز صورت می‌گیرد تا از التقای مصوت‌ها جلوگیری کند. بدین ترتیب، مرتبه‌بندی محدودیت‌های عنوان شده در مورد این گونه‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها بدین صورت است:

(۸) ONSET >> MAX-IO >>DEP-IO , ALGIN-MORPH-R

تابلوی (۹)

/xāka/ +eš/	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALGIN- MORPH-R
a. xā.ka.reš ¹			*	*
b. xā.ka.eš	*!			

تابلوی شماره (۹)، نشان می‌دهد که گزینه a با نقض کردن محدودیت‌های DEP-IO و ALGIN-MORPH-R، به عنوان گزینه بهینه انتخاب می‌شود. گزینه b به خاطر نقض محدودیت مربوط به آغاز در این تابلو بازنده است و حذف می‌شود.

۲-۶. حرف اضافه در ترکیب با ضمائر شخصی پیوسته

در /ānā.on/ معنی (برای آن‌ها) به خاطر توالی دو واکه، التقای واکه‌ها صورت می‌گیرد و برای رفع آن یک همخوان درج می‌شود. بدین ترتیب در مرتبه‌بندی (۱۰) محدودیت DEP-IO وارد می‌شود. مرتبه‌بندی جدید و تابلوی بهینگی مربوط به برون‌داد [ʔā nā.jon] به صورت زیر است:

(۱۰) ONSET >> DEP-IO >> *V-V/lar >> *V-V/V >> ALIGN-MORPH-L

تابلوی (۱۱)

/ānā/ +/on/	ONSET	DEP-IO	*V-V/Lar	*V-V/V	ALIGN- L
a. ?ānā.jon		**		*	**
b. ?ānā.ʔon		**	*!		**
c. ānā.on	!*				

در تابلوی (۱۱)، گزینه a با درج همخوان میانجی از بروز هجای بدون آغاز خودداری کرده است و به خاطر درج، الگوی هجایی تغییر نموده است. از محدودیت غیر مهلک *V-V/V تخطی کرده ولی باز هم گزینه بهینه محسوب می‌شود. گزینه b به خاطر نقض محدودیت *V-V/Lar و گزینه C به خاطر نقض ONSET از صحنه خارج می‌شوند.

(۱۲) ONSET >> DEP-IO >> ALGIN-MORPH-L

تابلوی (۱۳)

/ānā/ +/on/	ONSET	DEP-IO	ALGIN-MORPH-L
a. ?ā.nā.jon		**	**
b. ?ā.nā.on	*!	*	*

در تابلوی (۱۳)، گزینه a با درج همخوان میانجی از بروز هجای بدون آغاز خودداری کرده و به خاطر درج، الگوی هجایی تغییر کرده است. گزینه b به خاطر نقض ONSET از صحنه خارج می‌شوند.

۷. فرایندهای ایجاد شده در اثر کنار هم قرار گرفتن دو تکواژ آزاد

۷-۱. تبدیل همخوان واک‌دار به بی‌واک

در داده‌هایی مانند [æz+sær] (به معنی دوباره)، [læb+pær] (به معنی لب پر)، [āb +pæz] (به معنی آب پز) و داده‌های مشابه که در آن‌ها دو همخوان هم‌جایگاه به لحاظ تولیدی که اولی (در پایه هجای اول) واک‌دار و دومی (در آغاز هجای دوم) بی‌واک است، همگونی ایجاد می‌شود و همخوان اول نیز به صورت بی‌واک در برون‌داد ظاهر می‌شود. دو محدودیت جهانی برای توجیه این فرایند به کار می‌روند، محدودیتی که تنها بروز همخوان‌های بی‌واک را در پایه هجا مجاز می‌داند و همچنین

محدودیت دیگری که توالی همخوان‌های گرفته را با ارزش‌های یکسانی در مشخصه [واک] مجاز می‌داند. این محدودیت‌ها با یک محدودیت وفاداری که یکسان بودن مشخصه واک‌داری همخوان‌ها را در درون‌داد و برون‌داد، تضمین می‌کند در تعارض قرار می‌گیرد. بنابراین محدودیت‌های مورد نیاز و مرتبه‌بندی و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها صورت زیر است:

(۱۴) AGREE (لومباردی، ۲۰۰۴: ۳۴۷):

- توالی همخوان‌های گرفته باید ارزش یکسانی در مشخصه [واک] داشته باشند.

(۱۵) *VOICED-CODA (کاگر، ۱۹۹۹: ۴۰):

- همخوان‌های گرفته متناظر در مقداردهی برای مشخصه واک‌داری یکسان هستند. (ارزش همخوان‌های گرفته را برای مشخصه [واک‌دار] تغییر ندهند.)

(۱۶) ONSET >> AGREE, *VOICED-CODA >> IDENT-IO (Obs Vce), ALIGN-L

تابلوی (۱۷)

/āb/+pæz/	ONSET	AGREE	*VOICED -CODA	IDENT-IO (Obs Vce)	ALIGN-L
a. ?āp.pæz				*	*
b. ?āb.bæz			*!	*	**
c. ?āb.pæz		*!	*		*
d. āp.pæz	*!			*	

در تابلوی شماره (۱۷)، گزینه a بهینه است؛ زیرا به قیمت تخطی از دو محدودیت غیر مهلک ALIGN-L و IDENT-IO (Obs Vce) از بروز صورت نشان‌دار یعنی همخوان‌های گرفته واک‌دار در پایانه خودداری می‌کند و در ضمن دو همخوان گرفته متوالی هر دو بی‌واک هستند. گزینه b با اینکه دارای توالی دو همخوان واک‌دار است، ولی محدودیت *VOICED-CODA را نقض کرده است و به همین علت غیر بهینه است. گزینه c که به درون‌داد وفادار است، هر دو محدودیت مرتبه بالاتر را نقض می‌کند؛ یعنی محدودیت AGREE را نقض می‌کند و به عنوان گزینه غیر بهینه از صحنه خارج می‌شود. گزینه d نیز با تخطی از محدودیت مهم ONSET به عنوان گزینه غیر بهینه حذف می‌شود.

۷-۲. حذف همخوان پایانی

۷-۲-۱. در گویش تاتی تاکستان داده‌هایی مانند /dözd/+/gir/ (به معنی دزدگیر)، /kār / (به معنی فکر و اندیشه را به کار انداختن) و داده‌های مشابه، به صورت [fekr.+/bāšindæn/ تلفظ می‌شود. در واقع در گویش تاتی تاکستان معمولاً از بروز پایانه پیچیده [fek.kār.bāšindæn]

¹ . L. Lombardi

اجتناب می‌شود و این گرایش وجود دارد که هجای CVCC در هر صورت به هجای CVC تبدیل شود. بدین ترتیب به قیمت حذف یک همخوان، از بروز پایانه پیچیده در برون‌داد خودداری می‌شود. بنابراین محدودیت‌های مورد نیاز و مرتبه‌بندی و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها به صورت زیر است:

(۱۸) *COMPLEX-CODA >> MAX-IO

تابلوی (۲۰)

/ fekr/+/ kārbašindæn/	*COMPLMAX-CODA	MAX-IO
a. fek. kārbašindæn		*
b. fekr. kārbašindæn	*!	

در تابلوی شماره (۲۰)، گزینه a با حذف یک همخوان، از بروز پایانه پیچیده در برون‌داد خودداری کرده است و گزینه بهینه است. در مقابل، گزینه b به درون‌داد وفادار بوده و تغییری در هجای پیچیده ایجاد نکرده است، لذا گزینه غیر بهینه است.

۷-۲-۲. اگر این کلمات با الگوی هجایی CVCC پیش از تکواژهای آغازین قرار بگیرند، این بار برای جلوگیری از بروز پایانه پیچیده، حذف صورت نمی‌گیرد، بلکه دوباره هجابندی صورت می‌گیرد تا از بروز هجای بدون آغاز در تکواژ دوم نیز جلوگیری شود و به این ترتیب باز هم هجای CVCC به CVC تبدیل می‌شود. بنابراین محدودیت‌های مورد نیاز و مرتبه‌بندی و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها به صورت زیر است:

(۲۱) ONSET >> * COMPIMAX-CODA >> MAX-IO >> DEP-IO, ALIGN-MORPH-R

تابلوی (۲۲)

/ fekr/+/on/	ONSET	*COMPLMAX-CODA	MAX-IO	DEP-IO	ALIGN-MORPH-R
a. fek.ron					*
b. fe.kon			*!		*
c. fekr.on	*!	*!			
d. fekr.o	*!	*!			

تابلوی شماره (۲۲) نشان می‌دهد که گزینه بهینه؛ یعنی a با یک بار نقض ALIGN-MORPH-R محدودیت‌های درجه بالاتر را ارضا کرده است. گزینه b با نقض محدودیت MAX-IO پایانه پیچیده را شکسته که نقض آن مجاز نیست و به همین علت از صحنه رقابت حذف شده است. گزینه C نیز، علاوه بر این که دارای پایانه پیچیده بوده، محدودیت ONSET را که در مرتبه بالایی قرار دارد، نقض

کرده است و در واقع با نقض COMPLEX-CODA* از تابلو حذف می‌شود. گزینه d که هم دارای پایانه پیچیده است و هم هجای بدون آغازه دارد؛ چون محدودیت ONSET مرتبه بالاتری دارد، با نقض آن حذف می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری

پس از تحلیل و بررسی داده‌ها و به دست آوردن الگوهای گویش تاتی تاکستان، فرایندهای واژ- واجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی این گویش در چارچوبی جدید ارائه شد و به پرسش اصلی این مقاله، مبنی بر اینکه آیا نظریه بهینگی، توانایی توصیف داده‌های تاتی تاکستان را دارد، پاسخ متقنی داده شد. همچنین بررسی‌ها نشان داد که مرتبه‌بندی محدودیت‌ها در این گویش متفاوت بوده، به گونه‌ای که فرایندهای متفاوتی در آن صورت می‌گیرد؛ به عنوان مثال، در گویش مذکور هم فرایند حذف و هم درج صورت می‌گیرد.

در گویش تاتی تاکستان با افزوده شدن ضمائر شخصی پیوسته به اسم‌های مختوم به واکه، برای رفع التقای واکه‌ها، واکه ضمیر بی‌بستی (نه واکه اسم)، حذف می‌شود. بنابراین محدودیت دیگری از خانواده MAX-IO الگوی واژه‌بست‌های گویش تاتی تاکستان در این گونه موارد اعمال می‌شود. هر واکه در صورت برون‌دادی واژه‌بست، است. (واکه واژه‌بست حذف نمی‌شود). با افزوده شدن ضمائر شخصی پیوسته به اسم‌های مختوم به واکه و التقای آن‌ها در این گویش، در مواردی «درج» صورت می‌گیرد. با درج، همخوان میانجی از برون‌دادی بدون آغازه خودداری کرده است و به خاطر درج، الگوی هجایی تغییر کرده است. هر همخوان درون‌دادی واژه‌بست، دارای معادلی در صورت برون‌دادی واژه‌بست است. هر همخوان در صورت درون‌دادی پایه، دارای معادلی در صورت برون‌دادی پایه است. در گویش مذکور، در داده‌هایی مانند /pæz/+/pāb/ (به معنی آب پز) و داده‌های مشابه که در آن‌ها دو همخوان هم جایگاه به لحاظ تولیدی که اولی (در پایه هجای اول) واک‌دار و دومی (در آغاز هجای دوم) بی‌واک است، همگونی ایجاد می‌شود و همخوان اول نیز به صورت بی‌واک در برون‌داد ظاهر می‌شود.

داده‌هایی مانند /fəkr/+/kərbāšindæn/ (به معنی فکر و اندیشه را به کار انداختن) و همچنین داده‌های مشابه در گویش تاتی تاکستان [fəkr.kərbāšindæn] تلفظ می‌شوند و بر اساس مرتبه‌بندی به قیمت حذف یک همخوان از بروز پایانه پیچیده در برون‌داد خودداری می‌شود. اگر این کلمات مانند [fəkr] (به معنی فکر و اندیشه) با الگوی هجایی CVCC پیش از تکواژهای واکه آغازین مانند /a-/ قرار بگیرند، برای جلوگیری از بروز پایانه پیچیده هجابندی دوباره صورت می‌گیرد.

به طور کلی، محدودیت‌های واژه‌بستی در زبان تاتی به شرح زیر است:

ONSET >> COMPLX-CODA >> VOICED-CODA >> MAX-IO >> DEP-IO >> *V-V/lar >> *V-V/V >> ALGIN-MORPH-R/L

همچنین در این مقاله نشان داده شد که ترتیب محدودیت‌های واژ- واجی در زبان تاتی همسو با محدودیت‌های جهانی است و قواعد به ظاهر متفاوت همانند درج، حذف و ... همگی در یک جهت و برای رسیدن به یک هدف به کار می‌روند که آن را می‌توان «دسیسه» یا «هم‌نوایی» نامید.

منابع

کتاب‌ها

- بی‌جن خان، محمود، (۱۳۸۸)، واج‌شناسی: نظریه بهینگی، چاپ اول، تهران: سمت.
- پدرام، علی، (۱۳۷۹)، آوای تات: سروده‌هایی به زبان تاتی تاکستان، چاپ اول، قزوین: بحرالعلوم.
- دبیر مقدم، محمد، (۱۳۸۳)، زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی، چاپ اول، تهران: سمت.
- رحمانی، بهمن، (۱۳۹۱)، تاریخ و فرهنگ تات‌ها در استان قزوین، چاپ اول، تاکستان: سال.
- سبز علی پور، جهان دوست، (۱۳۹۰)، زبان تاتی، چاپ اول، رشت: دانشگاه گیلان.
- شقاقی، ویدا، (۱۳۸۶)، مبانی صرف، چاپ اول، تهران: سمت.
- طاهری، عباس، (۱۳۸۸)، بررسی گویش تاتی تاکستان، چاپ اول، تاکستان: سال.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه، (۱۳۸۵)، واج‌شناسی رویکردهای قاعده‌بنیاد، چاپ اول، تهران: سمت.

پایان‌نامه‌ها

- حیدری، فرزانه، (۱۳۹۲)، «توصیف فرایندهای واجی گویش لکی دلفان با رویکرد بهینگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- رحمانی، ایرج (۱۳۸۰)، «بررسی ساختمان فعل در گویش تاتی تاکستان و منطقه بوئین زهرا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (میرداماد).
- زاهدی، محمد صدیق، (۱۳۹۲)، «بررسی فرایندهای واجی کردی سنندجی بر اساس بهینگی»، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان.

مقاله‌ها

- بدخشان، ابراهیم و محمد زمانی، (۱۳۹۲)، «تحلیل و توصیف فرایند حذف در زبان کردی کله‌ری»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره اول، بهار، صص ۱۹-۳۰.
- پاک‌نژاد، محمد، (۱۳۹۵)، «توصیف و تحلیل فرایندهای واجی گویش دزفولی بر پایه چارچوب نظریه بهینگی»، مجله ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، سال ششم، شماره سوم، پاییز، صص ۲۲-۱.
- راسخ مهند، محمد، (۱۳۸۳)، «معرفی نظریه بهینگی و بررسی تکیه در زبان فارسی»، مجله زبان و زبان‌شناسی، سال چهارم، شماره اول، بهار، صص ۴۲-۶۶.
- رضی نژاد، محمد، (۱۳۹۱)، «هم‌نوایی در ترکی آذربایجانی»، مجله پژوهش‌های زبانی، سال سوم، شماره دوم، تابستان، صص ۶۱-۸۰.
- صادقی، وحید و صادقی، سولماز، (۱۳۹۶)، «التقای واکه‌ها در کردی سورانی»، مجله پژوهش‌های زبانی، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۱۷-۱۳۶.

منابع لاتین

- Fuller, M. (2013), «**On the special role of Faithfulness constraints in morphology-sensitive phonology: The M-Faithfulness Model.**» Ph.D. dissertation, University of North Carolina.
- Hammond, M. (1997), **Optimality theory and prosody: An Overview**, Massachusetts: Blackwell Publishers.
- Kager, R. (1999), **Optimality Theory**, New York: Cambridge University Press.
- Kiparsky, P. (2003), «**A Stochastic Optimality Theory Approach to Syntactic Change, Department of Linguistics Change**», Department of Linguistics, Northwestern University. CSLI, 473- 499.
- Lombardi, L. (2004), **Positional Faithfulness and Voicing Assimilation in Optimality Theory in JJ McCarthy(ed) Optimality Theory in Phonology**, Oxford: Blackwell publishing 343-364.
- McCarthy, J. (2011), **Autosegmental spreading in optimality theory**, Linguistic Department Publication, University of Massachusetts.
- Prince, A, and P. Smolensky, (1993), **Optimality theory: Constraint interaction in generative grammar**, Oxford: Blackwell Publishing Ltd.
- Smith, J, L. (2012), **Parts of speech in phonology**, Handout, 17th LIPP of Symposium Meeting, University at the 18th Manchester Phonology. Manchester.
- Stilo, D. L. (1981), «**The Tati Language Group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran and Transcaucasia**, » Taylor & Francis, Ltd. Press. Iranian Studies, Vol. 14, No. 3/4, Summer - Autumn, 137-187.

- Yar-Shater, E. (1962), **The Tati Dialect of Ramand**, in **W.B. Henning and E. Yarshater**, eds. A. Locust' Leg. Studies in Honour of S.H. Taghizadeh, London, 240-5.
- Yar-Shater, E. (1969), **A Grammar of Southern Tati Dialects**, Paris, The Hague: Mouton.